



حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم، از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر از جمله آیین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوت‌هایی وجود دارد. یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسألهٔ «حجاب و عفاف» است. هرچه الگوهای حجاب مرتب و باالتری داشته باشد، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهد گذاشت؛ هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، نورانیت، تقدس، حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود و هرچه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت، رشد و امنیت فردی و اجتماعی فزون‌تر است.

هرچند مسألهٔ حجاب و عفاف به‌ظاهر یک مسألهٔ کهن و تکراری است ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این است که به مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن در اسلام بپردازیم. بنابراین ضرورت بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی و جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن به‌عنوان یک مسألهٔ پژوهشی مطرح شده که از طریق این تحقیق به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داده خواهد شد: ۱- حجاب در متون اسلامی چه مفهومی دارد؟ ۲- آثار جلوه‌های تربیتی حجاب در ۲ سطح فردی و اجتماعی چیست؟

۱- پیشینه

پژوهش‌هایی که درباره حجاب انجام شده، بسیار زیاد است ولی به دلیل بعد تبیینی‌ای که این مسألهٔ دارد، با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی زوایای جدید آن را استخراج کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
محمدی آشنایی (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان حجاب در ادیان الهی به بررسی حجاب پرداخته است. او ضمن مرور مسأله حجاب در ادیان مختلف از گذشته‌های دور تا امروز، بر فطری بودن حجاب تأکید و در پایان، علل انحراف شرایع از حجاب را مطرح کرده و به آثار بدجهایی در جامعه پرداخته است. عسکری (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب در ادیان الهی» به بررسی حجاب و حدود آن در ادیان مختلف پرداخته است. او ابتدا به فطری بودن پوشش اشاره کرده، آنگاه حجاب را تقویت کرده‌اند. خرقانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه حجاب و پوشش در ادیان مختلف» به

بررسی ریشه و منشأ حجاب و تاریخچه آن از آدم تا خاتم با حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن می‌پردازد. او معتقد است حجاب همیشه وجود داشته و گاه به صورت دستور دینی و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ رعایت می‌شده‌است. استاد مطهری (۱۳۵۳) در کتاب مسأله حجاب به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود درباره آن پرداخته است. او ضمن تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می‌داند. حسینی‌منش (۱۳۷۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان الهی» ابتدا به فرهنگ لباس و آنگاه به فلسفه پوشش در اسلام، فطری بودن پوشش، فواید حجاب برای صیانت خانواده، بهداشت روانی و حفظ شخصیت زن می‌پردازد و در ادامه، حجاب را از منظر قرآن و روایات و فتاوا بررسی می‌کند و در آخر نیز به اهمیت حجاب در میان ادیان دیگر می‌پردازد. شفیعی مازندرانی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «چیستی حجاب اسلامی؛ معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب» ضمن بررسی واژه حجاب، اثبات می‌کند حجاب انوعی دارد و در هر مورد آن، چیستی خاصی از حجاب را می‌توان از دیدگاه اسلام مشاهده کرد و در این مقاله اثبات می‌شود حجاب، یک اصل سابقه‌دار در میان افراد بشر است. همچنین حجاب در راستای تقویت، عفت و کمال انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده است و از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فسادهای اخلاقی پیشگیری می‌کند.



۲- مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در برده قرار دادن به کار می‌رود. «بن‌زید» می‌گوید: «حَجَبَتِ الشَّیْءَ… إِذَا سَتَّرْتَهُ، وَالْحِجَابُ السِّتْرُ… إِحْتَجَبَتِ الشَّمْسُ فِی السَّحَابِ إِذَا سَتَّسَتْ فِیهِ: حجاب، پوششی است که روی شیء را فرامی‌گیرد و حجاب یعنی برده… زمانی که خورشید در ابر فرومی‌رود، عرب می‌گوید: إِحْتَجَبَتِ الشَّمْسُ فِی السَّحَابِ». (بن‌زید، ۱۹۸۷ م: ذیل واژه حجب) «قیومی» این واژه را چنین توضیح می‌دهد: «حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به برده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع دیدن است و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌شود ولی برخی مواقع، به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود.» (قیومی، بی‌تا: واژه حجب) از گشتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع دیدن شیئی پوشیده می‌شود. استاد مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می‌کند که کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی برده و حاجب، بیشترین استعمال آن به معنی برده است. این کلمه از آن رو مفهوم پوشش می‌دهد که برده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت‌پرده واقع شدن صورت گیرد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷: ۳۸۶ – ۳۹۱) این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می‌فرماید قرآن کریم، غروب خورشید را در داستان سلیمان اینگونه توصیف می‌کند: «حَتَّى تَوَارَّتْ بِالْحِجَابِ» یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت‌پرده مخفی شد.» تدبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری» و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است. در دستوری که امیرالمؤمنین علی(ع) به مالک اشتر نوشته‌اند، می‌فرمایند: «فَلَا تَطُولَنَّ اِحْتِجَابُكَ عَنِ رَعِيَّتِكَ» یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان، تو را از امر مردم جدا کنند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده.» (تهج‌البلاغ/ع، ۵۳).

۳- مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علمی چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خود را دارد. در فقه، این واژه در معنای لغوی خود که همان برده حال میان ۲ چیز باشد، به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است. شهید مطهری در این‌باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و بویژه در اصطلاح فقهها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می‌رفته است. فقهها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه بس‌تر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، برده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت برده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده عده زیادی گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت‌پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقهها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوط، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور، چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بی‌آنکه کلمه حجاب، را به کار برده باشد. آیهای که در آن اصطلاحی به کار رفته است، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است. معنای اصحابی بردارد این واژه، عبارت از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه برده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. (ر.ک: غلیمردی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

۴- جایگاه حجاب در قرآن

مسألهٔ حجاب در ۲ سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۵۹ سوره احزاب مطرح شده است

بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه، آثار و جلوه‌های تربیتی

سلامت فردی و اجتماعی نتیجه یک حکم جهان شمول

خود آزادترند، زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند». (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۱-۱۰۰)

بنابراین بی‌حجابی و بدجهایی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. خداوند می‌فرماید: وَقَرْنَ فِی بُیُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیةِ الْأُولَى وَأَقْنِیْنَ الصَّلَاةَ وَآتِیْنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ التَّیْبَتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کمال شما را پاک سازد. (الأحزاب/ ۳۳)

۲-۳- سلامت اخلاق جامعه
همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه ملطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هرچه سلامت اخلاقی جامعه را تضمین می‌کند، تقویت شود. هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفاسد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود. سلامت اخلاقی جامعه از اهداف عالیه اسلام است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بعثت لأتمم مكارم الأخلاق؛ من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم.» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵). حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف او است و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

۴-۲-۵- حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود اوقات هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طراحی برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کنشاندن تمتعات فیزیکی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد نیروی کار ضعیف شود و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود. از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مدبرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد. اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقید نکند و با لباس ساده و مرتب و در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شود، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدبرستی، خودبخود از بین می‌رود. هزینه سنگین مواد آرایشی و لباس‌های گران‌قیمت، به‌ویژه با تغییر مداوم مدها، بار مالی طاقت‌فرسایی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و به علاوه باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود (ر.ک: غلیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۸).

۵-۲-۵- سلامت استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در قالب حجاب با ستر سعی دارند استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند. در واقع، «لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین‌جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن، تغییر در سلی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت، استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، بویژه از آن رو که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد اندیشه وابستگی در درون خرده کنه، در ظاهر افراد نیز متجلی شده است.» (قائمی، ۱۳۷۳: ۳۸۵-۳۸۴) مبارزه برای استقلال فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است؛ به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی(ع) به این حربه متوسل شده، گفت: «می‌ترسم آیین شما را درگرمون سازد یا در این سرزمین فساد برپا نماید!» (عافرا/ ۲۶). بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب.

■ نتیجه‌گیری

اثبات تقدس و تجاذب‌های حجاب و عفاف در متون دینی سبب‌ساز گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در بین زن و مرد جامعه خواهد شد. سد و سالم‌سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن، امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی حجاب سرچشمه در ضرورت پردازش شخصیت معنوی‌ا دارد و نبود الگوهای مناسب برای حجاب و عفاف سبب انتخاب الگوهای نازل حجاب در جامعه می‌شود. اصلاح هندسه‌های معرفتی در باب ترویج مسألهٔ حجاب و عفاف مستلزم ارائه فواید و آثار تربیتی آن است، چه فواید حجاب در حدی است که بدون آن فرد و جامعه دچار لغزش و آسیب جدی خواهند شد. آثار فردی حجاب شامل آزادی زن، سلامت جسمی، استحکام خانواده و آرامش و امنیت و آثار اجتماعی آن، شامل سلامت اخلاقی جامعه، مسؤلیت اجتماعی و حفظ نیروی کار و استقلال فرهنگی و سیاسی می‌شود. بنابراین حجاب را باید رفتاری الهی شمرد که باعث ارتباط بین فرهنگ و دین، عقل و ایمان، سیاست و دیانت و تکامل و اختیار در رفتار انسانی شده است.

نویسنندگان

اکبر رحمتا، زهرا علی‌اکبرزاده آرانی و مجید خاری آرانی

منبع: فصلنامه معارف قرآنی / شماره ۲۲



و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ی پیامبر! به همسران و دخترات و همه زنان مسلمان بگو روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا آبه عفاف آشناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است: یا ایها النبی قل لاَؤَاجِبَکُمْ وَتَنَکِحُ وِنسَاءَ الْمُؤْمِنِینَ ذَیْنِیْنَ عَلَیْھِمْ مِنْ جَلَابِیْبِھِمْ ذَٰلِکَ اَدْنٰی اَنْ یُعْرِضَ فَلَآ یُؤْذِیْنِ وَکَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِیْمًا (الأحزاب/ ۵۹). ویلیام جیمز، روانشناس معروف، در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: «زنان دریافتند که دست‌ودل‌بازی، مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.» (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

۱-۱-۲- سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌کند. به امر ذیل توجه کنید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است ولی بویخبی گویای یکی از عوارض فساد است. طبق تحقیقاتی که در ایالات متحده به عمل آمده، روی‌هم‌رفته ۹۰ درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر است. از تمام بیمارستان‌های ایالات متحده، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقربتی اختصاص داده شده است. در آن زمان حالی‌که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشکان خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌کنند. (ر.ک: همان، ۴۵) سالانه ۳۰ تا ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متحده ناشی می‌شود، از مجموع همه امراض مختلف غیر از سل، بیشتر است (ر.ک: همان). دکتر «امبروس لینگ» که از مقامات صلاحیت‌دار درباره بیماری‌های آمیزشی است، اعلام کرده از سال ۱۹۵۷ به بعد، بیماری‌های آمیزشی در بین جوانان کهمسال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان پسران ۱۵ تا ۱۹ سال، ۶۷٪ درصد و مقدار افزایش در میان دختران که همین سن را دارند، ۶۵٪ درصد شده است. (ر.ک: همان) بنابراین یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام‌رضاع(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند.» (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ۴۶۷)

۱-۱-۳- استحکام خانواده

شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان شود، زیانمند است و باید در آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کلمیایی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی‌که از نظر سیستم آزادی و کلمیایی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانواده بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

زن موجودی گرمایی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض و دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مزن باشد. (ر.ک: قائمی، ۱۳۷۳: ۳۹۰) حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی او دارد، زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، انسان امنیت می‌کند و هیچ کس جرأت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاه‌های الوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود. (ر.ک: غلیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۱) امیر مؤمنان علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشش است و محفوظ داشتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی او است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹: ح- ۵۸۲)

۲-۵- آثار اجتماعی حجاب

۱-۲-۵- مسؤولیت‌های اجتماعی

هر فردی در برابر جامعه خود مسؤول است. این مسؤولیت، عام است، یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها.

۲-۲-۵- آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان باحجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است. قبل از ظهور اسلام، نه‌تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: وَإِنَّا بَشَرٌ نَّحْنُھُمْ بِالْأُنثٰی ظَلَّ وَجْھُھُ مَسْنُونًا وَھُوَ کَظِیْمٌ (الحل/ ۵۸). در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. (ر.ک: محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

دکتر «گوستاو لوبون» مورخ معروف فرانسوی می‌گوید: «بن مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبود وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده است و روی هم رفته زنان مشرق‌زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه‌تنها زن را یک انسان کاملی می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند: مَا اَكْرَمَ الْاِنْسَاءِ اِلَّا الْکَرِیْمَ وَ مَا اَهْلَئِنْھِنَّ اِلَّا لِلنِّیْمِ: هرگز زنان را گرمای نمی‌دارند، مگر کریمان و به آنان اهانت نمی‌کنند، مگر لیثمان بی‌ارزش.» (پاینده، ۱۳۷۳: ۳۱۸) بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده، شخصیت